

## على هذه الأرض ما يستحق الحياة

محمود درويش

### بر این سرزمین چیزی هست که شایسته زیستن است

تردید اردیبهشت  
عطر نان در بامداد  
آراء زنی درباره مردان  
نوشته های اسخیلوس\*  
آغاز عشق  
گیاهی بر سنگ  
مادرانی برپا ایستاده بر ریسمان آوای نی  
و خوف مهاجمان از یادها.

بر این سرزمین چیزی هست که شایسته زیستن است  
آخرین روزهای سپتامبر  
بانویی که چهل سالگی اش را در اوج شکوفایی پشت سر می گذارد  
ساعت هواخوری و آفتاب در زندان  
ابری به سان انبوهی از موجودات  
هلهله های يك خلق برای آنان که با لبخند به سوی مرگ پر می کشند  
و خوف خودکامگان از ترانه ها.

بر این سرزمین چیزی هست که شایسته زیستن است  
بر این سرزمین، بانوی سرزمین ها،  
آغاز آغازها  
پایان پایان ها  
که فلسطین اش نام بود  
که فلسطین اش از این پس نام گشت  
بانوی من!  
مرا، چون تو بانوی منی، زندگی شایسته است، شایسته است.

(ترجمه از عربی: تراب حق شناس)

---

\* اسخیلوس یا اشیل Eschyle بنیانگذار تراژدی یونان باستان، پدید آورنده نمایشنامه «ایرانیان» (که در آن شکست خشیارشاه را در حمله به یونان باز می گوید). اشیل را با اشیل Achille قهرمان اساطیری یونان که در ایلید آمده نباید اشتباه کرد. م.